

هُوَالْأَبْهَى-ای دوستان الهی و مشتعلان بنار محبت رحمانی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالْأَبْهَى

ای دوستان الهی و مشتعلان بنار محبت رحمانی در این خاکدان ترابی آشیانه نمودن صفت خراطین ارض است و سمت طیور خاک پست. مرغان چمنستان الهی جز در گلبن الهی لانه نخواهند. و پرندگان بوستان تقدیس جز در حدائق باقی توحید بر سدره تجرید مسکن نجویند. بازان اوج عظمت بغیر از هوای سمای عزّت محل طیران و میدان جولان نخواهند این خاکدان فانی چون سراب بادیه حیرانی ظلّی است زائل و این عالم ترابی در نظر اولیای الهی از ذره متلاشی پست و حقیر تر است. چون از شئون این عالم و محو و فنایش و کدورت و صفایش و کثافت و جفایش و سراب بقیّعهش و سمّ نقیّعهش کما هو حقّه واقف و مطلع گشتند از جهان و جهانیان بیزار شدند و از هر چه جز حقّ است در کنار گشتند دل بجهان باقی بستند و از این شئون کونی و ظلمات امکانی رستند. پری از صفات تقدیس گشودند و در این فضای وسیع پرواز نمودند تا باوج اعلی و ملکوت ابهی و مقعد صدق عند ملّیک مقتدر عروج نمودند و بشرف لقای جمال اعلی و نعمت لائفی و موهبت عظمی مشرف گشتند.

پس ای مخموران صهبای الهی و سرمستان جام جذب و موهبت رحمانی از جمیع شئون و فنون و ظهور و کمون و مقتضیات جنون چشم پوشید و از راحت و نعمت و عزّت و ثروت و بزرگواری این جهان فانی بگذرید و همت را باقتباس انوار رحمانی و استفاضه مواهب ملکوت صمدانی بگمارید و اگر بلایای عظیمه و رزایای شدید رخ دهد و جمیع من فی الوجود بر اذیت و جفای بر شما قیام نمایند محزون مشوید مغموم نگردید و جزع و فزع منمائید بشارت عظیمه از فم مطهر در الواح الهیه وارد و مرده جان بخش در کتب صمدانیه نازل و مضمون آن کلام



ORIGINAL



AUDIO

مبارک اینست که بلائی که بر احبای الهی وارد و صدمات و اذیّات و مصیباتی که بر عاشقان جمال رحمانی نازل میشود حکمتش این است که چون این نفوس مقدسه بمنزله فروع و اوراق سدره مبارک الهیه هستند لهذا آنچه بر اصل شجره مبارک الهیه وارد البته بر فروع و اوراق آن نیز نازل میشود.

حال چون اعظم بلایا و محن و آلام و اشدّ متاعب سجن و سلاسل و اغلال را حق بنفسه در سبیل جمالش حمل فرمود و بکمال سرور و حبور و تمام روح و ریحان ایّام مبارک را در سجن و زندان بگذراند شما نیز ای احبای الهی هر یک بقدر لیاقت و استعداد خویش از این موهبت عظمی بهره باید ببرید. و از این رحمت کبری نصیبی باید بگیرید.

چون بحقیقت ملاحظه فرمائید چه فضلی اعظم از این فضل و چه احسانی اکبر از این احسان که در این سبیل رحمن در بلایا شریک جمال قدم باشید و سهم نیر اعظم گردید بشری للمخلصین. و اگر از عوالم الهیه و جهان معنوی الهی که بعد از عروج این ارواح بملکوت ابهی و جبروت اعلیٰ مقدر شده بوئی بمشام جهانیان رسد البته هریک در قربانگاه در سبیل محبت الله بکمال شوق و اشتیاق بشتابد و اگر نفعات معطره آن جهان الهی مشام روحانیان را معبر نمی نمود و قلوب مبارکشان را انوار ساطعه از افق ابهی منور نمیکرد هرگز این بلایای شدیده و مصائب کلیه را تحمل نمیفرمودند.

پس بدانید که نسائم جان بخش جهان الهی است که مشام اولیای الهی را معطر نموده و ارواح مقدسشان را مبشر کرده که باین حلاوت شدائد اذیت و نعمت اهل عالم را تحمل مینمایند و اگر مواهب آن عوالم الهیه و اسرار آن ملکوت باقیه در این عالم فانی و جهان ترابی مشهود و واضح نیست جای عجب نه و وسیله شک و شبهه نیست زیرا این واضح و مشهود بلکه بدیهی است که هر استعداد و لیاقتی و قوی و کمالی که هر شئی در رتبه از مراتب تحصیل و اکتساب مینماید در رتبه ما فوق آن رتبه چون مبعوث شود ظاهر گردد مواهب مکتسبه در رتبه اول که ما دون این رتبه است در رتبه مافوق ظاهر و آشکار شود و بعبارة اخری کمالات مکتسبه در عالم مادون ظهورش در عالم فوق است زیرا آن عالم مادون استعداد وسعة ظهور آن مواهب را ندارد مثلاً استعداد و مواهبی را که جماد در عالم جماد تحصیل مینماید در عالم جماد مشهود نگردد بلکه چون از عالم جماد بعالم نبات انتقال نماید آن موهبت موهوبه رخ بگشاید

و چون نبات استعداد حصول جسم حساسی را در عالم نبات تحصیل نماید حین انتقال بعالم حیوان این کمال ظاهر شود و چون انسان در عالم رحم قوه باصره و قوه سامعه و قوه شامه و قوای سائر و احساسات بشریه و کمالات انسانی را اکتساب نماید. در عالم رحم سعة و گنجایش ظهور این مواهب موجود نه بلکه غیر ممکن و محال است که بصر عیان شود و سمع نمایان گردد.

لکن چون از تنگای رحم مادر باین عالم وسیع منور انتقال نمایند آن چشمش روشن و بینا گردد و گوشش شنوا شود و لسانش گویا گردد و کلماتش واضح و عیان گردد و یقین داند بلکه مشهود بیند که این مواهب را جمیعاً در عالم ظلمانی رحم اکتساب و تحصیل نموده بود و لکن آن عالم سعة و گنجایش ظهور این اسرار را نداشت بلکه خود مولود نیز بتمامه از این مواهب بیخبر بود و اگر چنانچه جبریل بر او نازل میشد و خبر میداد که چنین فضل و عنایتی بتو در این محل تنگ و تاریک احسان شده قبول نمی نمود بلکه تکذیب میکرد حال بهمچنین فضل و مواهبی و الطاف و رغائبی که بنفوس مقدسه در این عالم عنایت شده و کمالاتی که تحصیل نموده اند این عالم سعة ظهور آنرا ندارد بلکه چون بعوالم سائر الهیه انتقال نمایند آن موهبت کبری رخ بگشاید و آن رحمت عظمی جمال بنماید و همچنین جنینی که از این مواهب محروم بود محرومیتش بعد از انتقال ظاهر و عیان گردد. مثل اینکه محرومیت و نقائص نفوس محتجبه نیز بعد از فوت از این عالم معلوم و مشهود گردد. عبده عباس

